

بررسی ترجمه‌های حیات الحیوان و کتب بیطاری در ایران از آغاز تا روزگار قاجار^۱

زهرا آقابابایی خوزانی*

چکیده

تاریخ دامپزشکی و بیطاری در ایران قدمتی دیرینه دارد. تدوین کتاب‌های جانورشناسی پس از اسلام به همراه ترجمه آثار ارسطو درین باب نظیر اجزاء الحیوان و طباع الحیوان و همزمان با بهره‌وری از آیات و روایاتی از پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) که در آن به رابطه انسان با جانوران و احکام و آداب صید و ذبح می پردازد، راهی دراز دامنه طی کرده است تا آنجا که تعداد نسخ دامپزشکی و جانورشناسی موجود را سیصد نسخه ذکر کرده‌اند. در این میان حیات الحیوان دمیری جایگاهی ممتاز دارد و پس از آن چندین ترجمه به فارسی و ترکی؛ از جمله ترجمه محمد بن سلیمان، عبدالرحمن بن ابراهیم و حکیم شاه قزوینی از کتاب صورت گرفته که بعض آنها تا کنون ناشناخته باقی مانده، هنوز تصحیح کاملی از هیچ یک ازین ترجمه‌ها صورت نگرفته است. تحقیق حاضر به ذیل‌ها، مختصرها و ترجمه‌های حیات الحیوان دمیری به زبان‌های مختلف به طور کلی و بویژه به فارسی، نگاهی انداخته است.

واژه‌های کلیدی

جانور شناسی، حیات الحیوان، دمیری، ترجمه‌های حیات الحیوان

مختصری از پیشینه جانورشناسی در ایران

حیوان شناسی دوران اسلامی درعین بهره‌وری از سرمایه‌های کهن ایرانی و یونانی، پشتوانه عظیمی چون قرآن دارد؛ زیرا که این کتاب آسمانی، افلاک، جماد، نبات، حیوان و انسان را نشانه‌های عظمت الهی می‌داند و حیوانات را حلقه‌های بارزش زنجیره خلقت که در سرنوشت، شریک انسان‌اند. این نگاه به همراه کاربرد ویژه حیوانات در زندگی روزمره، جایگاه خاصی به علم الحیوان بخشیده است. ازین روی، در ایران و سایر ممالک مسلمان، دانشمندان علوم طبیعی همه رنجها را بر خود هموار داشته و درین قلمرو نیز در زمان خود گوی سبقت از همگان ربودند.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران. zahrababaii@pnu.ac.ir

به دلیل خصلت درآمیختگی مطالب در متون کهن، گاه نمی‌توان برای برخی علوم مرز روشنی ترسیم کرد و آن را منطبق با دانش‌های امروزی دانست. جانورشناسی (وبه تعبیر فرنگی‌ها Zoology) ازین دست است. ازین روی گاه برای یافتن ردپایی از آنها ناگزیر پناه جستن به متونی هستیم که چه بسا در نگاه نخست چندان ربط و دخلی با جانورشناسی ندارند و مطالبی درین باب ذیل موضوع اصلی در ابواب جداگانه ذکر کرده یا در فحوای متن به حاشیه رفته‌اند. فاطمه مهری در مقاله «کتاب الحیوان جانورشناسی در عالم اسلام» این متون را به هشت بهره تقسیم کرده است که به اجمال عبارت‌اند از: عجایب نامه‌ها، آثار لغوی نظیر المخصص ابن سیده، سفرنامه‌ها نظیر آثار البلاد و اخبار العباد قزوینی، کتب بیطره نظیر صیدنامه ملک شاهی تالیف خواجه علی بن محمد نیشابوری، کتب فقه و تفسیر که در آنها به احکام مربوط به جانوران اشاره رفته است، صیدیه‌ها یا شکارنامه‌ها که تحت عنوان کلی کتاب الصيد و الذبایح تألیف شده است، مانند کتاب صیدیه سعدالدین هروی، دایرة المعارف‌های کهن همچون عیون الاخبار ابن قتیبه دینوری و یا رساله‌هایی که در کتاب‌های عمومی در مورد جانورشناسی یافت می‌شود؛ مانند باب بیست و پنجم قابوسنامه، اندر خریدن اسب، که به اسب‌شناسی و دامپزشکی اسب اختصاص دارد که در آن از اساتید بیطار، اندام‌شناسی اسب، رنگ اسبان و تطابق آن با خواص فیزیولوژی، نشانه‌شناسی برخی از بیماری‌ها و سرانجام نام چند بیماری مختصرا بحث شده است، نیز آداب الحرب و الشجاعة از مهم‌ترین و ارزنده‌ترین نوشته‌هایی که از دامپزشکی ایرانی در سده‌های چهارم تا هفتم هجری باقی مانده، باب هشتم تا دهم کتاب راجع به اسب و یکی از منابع اصلی برخی از فرسنامه‌های ایران است و در نهایت، کتب تواریخ مانند مروج الذهب دینوری و کتب طبی (رک: مهری، ۱۳۸۸: ۴-۱۰). اما وراى هشت بهره فوق می‌توان به اقسام دیگری نیز اشاره کرد؛ نظیر کتاب‌هایی که به مناسبت از داستان حیوانات یا از زبان آنها برای بیان مقاصد خود سود جسته‌اند و سنت تاریخی طبیعی هندی - ایرانی را تقویت می‌کنند؛ یکی از بهترین آثار درین باب «کلیله و دمنه» است. فرج بعد از شدت از قاضی محسن تنوخی (۳۲۷-۳۸۴ق)، جوامع الحکایات اثر سدید الدین محمد عوفی (قرن ششم) و مرزبان نامه وراوینی ازین جمله‌اند.

اما شاید از همه مهم‌تر آثار مرتبط با حیوان‌شناسی و دانش عمومی حیوانات باشد که گاه صورت دایرةالمعارف می‌یابد و ظاهر آن است که با نام الحیوان یا حیات الحیوان تشخیص یافته‌اند. بعض این کتب با نام منافع الحیوان، به استفاده دارویی از اعضای درون و برون حیوان می‌پردازند. درین نوع از کتاب‌ها نیز گاه به مباحث بیطاری و دامپزشکی هم اشاراتی شده است.

از مهم‌ترین کتاب‌ها درین باب الحیوان ابوعثمان عمر بن بحر بن محبوب کانی بصری نویسنده، حیوان‌شناس و ادیب پرکار عرب، است. وی در حدود سال ۱۵۸ق در بصره زاده شد و چون چشمانش برآمده بود، جاحظ نامیده شد.^۲ در کتاب الحیوان، جاحظ به وصف طبایع حدود سیصد و پنجاه حیوان پرداخته است. نویسنده به مناسبت موضوع حیوان هرچه توانسته از حکمت، ادب، تاریخ و حکایات مختلف را در آن جا داده است. اگرچه جنبه حیوان‌شناسی کتاب الحیوان چندان نیست و سایر مطالب بر آن چیرگی دارد، نویسنده در موارد متعدد از داروهای ناشی از اعضا، اندام و فرآورده‌های حیوانی بحث کرده است. کتاب از نظر جانورشناسی و دامپزشکی متکی بر برخی تجربیات علمی است. به هر حال این کتاب از منابع ایرانی، یونانی و رسالات حیوان‌شناسی ارسطو و غیره که از طریق ترجمه، وارد زبان عربی شد، استفاده کرده است. جاحظ به عنوان ادیبی که حیوان را وسیله بیان مطلب خود قرار داده، مقلدانی یافت که از آن جمله‌اند، دمیری مؤلف حیات الحیوان و زکریای قزوینی مؤلف عجایب‌المخلوقات (رک: همان، ۱۹۸-۱۹۷).

از زکریا بن محمد بن محمود قزوینی^۳ (۶۸-۶۰۰ق) دو کتاب معتبر باقی است. یکی عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات

که مربوط به تاریخ طبیعی یا دانش کائنات است و دیگری آثارالبلاد و اخبارالعباد درباره جغرافیا. این دو کتاب مجموعاً دائرة المعارفی را درباره جهان و موجودات آن، شهرها و آثار آنها تشکیل می‌دهد. زکریای قزوینی از دانشمندان بزرگ در تاریخ طبیعی و حیوان‌شناسی و جغرافیاست که کارهای او یادآور «پلینوس» Pelinus دانشمند بزرگ قرن اول میلادی است. عجایب المخلوقات که نسخه عربی و فارسی آن موجود است، حاوی اطلاعاتی درباره حقیقت افلاک، ستاره شناسی، اقلیم شناسی، زمین شناسی، آب شناسی، معدن شناسی، گیاه شناسی، انسان شناسی و حیوان شناسی و نیز همه اطلاعات پیشینیان در تاریخ طبیعی است.

عجایب المخلوقات از جنبه جانورشناسی، هم حاوی مطالب علمی و هم خرافی است. نوع سوم این کتاب در هفت قسمت، حیوانات مختلف؛ از جمله انسان را مورد بحث قرار می‌دهد. سپس برخی از موضوعات از قبیل کیمیا، علوم غریبه و دفع حیوانات مودی را شرح می‌دهد. در میان آبریان؛ بویژه از ماهیان دریای فارس سخن گفته و به سه نوع ماهی شور، حراف و پرستو و مهاجرت آنها توجه دارد. در میان دواب، اسب را از بسیاری جهات مورد دقت قرار داده، با خر مقایسه می‌کند. علاوه برین، از خواص درمانی و جادویی اندام‌های اسب نیز سخن می‌گوید. سپس از خر، رفتار و خواص اجزای بدن آن مطالبی می‌گوید. در باب گاو و گوسفند و شتر بحث مفصلی دارد. انواع طیور اهلی، وحشی و انواع حیوانات وحشی از مباحث دیگر عجایب المخلوقات است. فصل مربوط به حشرات و بندپایان و حیوانات گزنده عجایب المخلوقات از مباحث جالب این کتاب است. عجایب المخلوقات فارسی در سال ۱۲۸۳ق همراه با تصاویری که با دست رنگ آمیزی شده بود، در تهران چاپ سنگی شده. متن عربی این کتاب نیز در حاشیه حیات الحیوان در سال ۱۳۰۹ق در بیروت به چاپ رسیده است. در کتابخانه ملی پاریس نیز کتابی مصور به نام عجایب المخلوقات وجود دارد که نویسنده آن احمد مروی است.

شیخ فخرالدین حمزه بن علی ملک طوسی اسفراینی متخلص به آذری، از مشاهیر مشایخ قرن نهم هجری (م ۸۶۶ق در اسفراین) کتابی به شعر فارسی به نام عجایب الغرایب سروده است. شیخ درین منظومه که با زبانی ساده بیان شده از عجایب المخلوقات قزوینی و برخی کتاب‌های دیگر بهره گرفته است.

زکریای قزوینی آثار البلاد و اخبارالعباد را در دانش جغرافیا به زبان عربی نوشت و در آن به حیوانات نقاط مختلف و نکاتی از دامپزشکی نیز اشاره کرده است.

فهرستی از برخی کتب جانورشناسی به ترتیب تاریخی

از دیگر کتب جانورشناسی به ترتیب تاریخ نگارش آنها می‌توان به تألیفات فارابی و ابن طفیل اشاره کرد. فارابی در آراء اهل مدینه فاضله، از برخی جانوران؛ بویژه ماهیان و مرغان بحث کرده، در مورد چگونگی باروری آنها نکاتی را ذکر می‌کند. او از زیست شناسی (تشریح و فیزیولوژی حیوانی) در جهت اثبات نظریات دینی و فلسفی استفاده می‌کند (تاجبخش، ۱۳۷۹: ۲۵۷-۲۵۶).

ابوحاتم سجستانی ادیب و قاری بزرگ (۲۵۵ق) اهل سیستان، در نوشته‌های لغت شناسی خویش رساله‌هایی به نام الابل، الطیر، الوحوش، الحشرات، النحل و الذرع نگاشت که دمیری در حیات الحیوان برخی از آنها را مورد استفاده قرار داده است.

ابوعبید جوزجانی یکی از مشهورترین شاگردان ابوعلی سینا کتاب الحیوان را به زبان فارسی نگاشت.

ابوعلی سینا هشتمین بخش از علوم طبیعی کتاب عظیم شفا را به جانوران اختصاص داده و از ماهیت عمومی، روان شناسی و فیزیولوژی آنها مفصلاً سخن گفته است. شفا را می‌توان مهم‌ترین تألیف نظری آن زمان در باب جانورشناسی محسوب داشت. درین کتاب سنت جانورشناسی ارسطو و جالینوس پی‌گیری شده است.

در رساله های هفتم و بیست و دوم اخوان الصفا نظریه تشریح و فیزیولوژی و بسیاری از دیگر نکات مربوط به حیوان شناسی بحث شده و مخصوصاً تطابق جانوران با محیط، مورد دقت قرار گرفته است. اخوان الصفا در خوگرفتن موجودات با محیط، قرن‌ها پیش از «لامارک» و «داروین» ابراز نظر کرده‌اند (همان، ۲۵۷). نیز می‌توان به طبایع الحیوان و خواصها و منافع اعضائها از ابوسعید عبدالله بن جبریل از خاندان بختیشوع (متوفی حدود ۴۵۰ق) اشاره کرد. این کتاب در سال ۶۹۸ق در مراغه به دستور غازان خان توسط عبدالهادی مراغی به فارسی ترجمه شد و نقاشان چیره دست مینیاتور حیوانات و پرندگان را در آن به دست دادند. درین کتاب از فیزیولوژی، تا حدی تشریح، اخلاق و عادات و زندگی حیوانات و داروهای که از اندام های آنها به دست می‌آید، بحث شده است. در حال حاضر این نسخه ارزشمند به شماره ۵۰۰ در کتابخانه «پیریونت» نیویورک نگهداری می‌شود. این نسخه اخیراً به کوشش محمد روشن توسط بنیاد موقوفات به چاپ رسیده است. از روی منافع الحیوان و لغت الحیوان ارسطو کتاب دیگری به نام نعت الحیوان و منافع نگاشته شده است.

شرف الزمان مروزی کتاب طبایع الحیوان را نگاشت و قلقشندی مصری (ف ۸۲۱) در صبح الاعشی بخش مهمی را به جانورشناسی اختصاص داد (همان، ۳۷۹). حیات الحیوان دمیری نیز در همین دوره نگاشته شد.

خاتمه جلد چهارم حبیب السیر تألیف غیاث الدین محمد بن جلال الدین، معروف به خواندمیر، از ادیبان و مورخان نامدار قرن دهم هجری به «بدایع و غرایب ربع مسکون» اختصاص دارد و در آن مطالبی از جغرافیا، اقلیم شناسی و همچنین حیوان شناسی ذکر شده است. از منابع این بخش، کتاب عجایب المخلوقات است.

در فاصله سده‌های هفتم تا دهم هجری نسخ خطی باارزشی در مورد حیوان شناسی و دامپزشکی در هند تألیف شد. به طور نمونه جهانگیر شاه کتاب جهانگیرنامه یا واقعات یا توزک جهانگیری را به زبان فارسی با نثری ساده در وقایع دوازده ساله اول سلطنت خود نگاشت. این کتاب از نظر وصف صفات قابل تغییر و تعلیم و تربیت پذیری حیوانات بسیار ارزشمند است. درین کتاب نکات جالبی در مورد شکار و بعضی از بیماری های مشترک انسان و حیوان نیز وجود دارد (تاجبخش، ۱۳۷۹: ۴۳۹-۴۳۸) مضمار دانش تألیف نظام الدین به درخواست شاه عباس نوشته شد و یکی از ارزنده ترین فرسنامه‌های ایران و جهان اسلام است. این کتاب در فرهنگ دامپزشکی ایران تأثیری بسزا داشته، بسیاری از فرسنامه های بعدی از آن الهام گرفته و بعضی بکلی آن را به یغما برده‌اند (همان، ۴۶۳).

وصف الخیل تألیف علامه ملا محسن فیض کاشانی، از برجسته ترین دانشمندان علوم دینی در قرن یازدهم هجری، با اتکا به احادیث نقل شده از ائمه بزرگوار شیعی، رساله‌ای در شرح اسبان نگاشته است.

در دوران قاجاریه چندین کتاب و رساله در زمینه پرورش و بیماری‌های اسب و مرغان شکاری و حیوان‌شناسی نگاشته شده که به جز یکی از آنها، بازنامه نصری و تاحد بسیار کمی فرسنامه خوانساری باقی تکرار نوشته‌های کهن و از نوآموزی خالی است. پس از مشروطیت ترجمه برخی از مطالب دامپزشکی اروپایی جایگزین فرسنامه‌ها و بازنامه‌های ایرانی شد (همان، ۵۵۰).

اما مهم‌ترین اثر جانورشناسی دنیای اسلام حیات الحیوان دمیری است که به بررسی آن خواهیم پرداخت.

شرح حال دمیری

محمد بن موسی بن عیسی بن علی الکیمال ابوالقاء دمیری الاصل، در قاهره به مذهب شافعی می‌زیست. اصل او از روستای دمیره (به فتح اول و کسرثانی) بود. با وجود وضوح در شکل کلمه دمیره، در اسم منسوب به آن اختلاف هست، طاش کپری زاده واژه دمیری را به کسردال و میم ذکر کرده، حال آنکه برخی آن را اسم تصغیر به ضم اول و فتح ثانی انگاشته‌اند. با این همه به نظر می‌رسد، ضبط دمیری به فتح دال و کسر میم بر دیگر ضبطها رجحان داشته است

(العزی، ۱۴۰:۱۳۶۴). نام اصلی اش کمال، و به خط خود در کتاب‌هایش همین نام را امضا می‌کرد، بعدها محمد نامیده شد؛ که گویی نوعی تزکیه درون را با کنار گذاشتن اسم حقیقی خود آغاز کرده بود. وی به سال ۷۴۲ هجری در قاهره زاده شد. ابتدا از راه خیاطی امرار معاش می‌کرد. سپس در جستجوی دانش برآمد. جامع ترندی را نزد مظفرالدین عطار مصری و نیز علی بن احمد عرضی دمشقی و عبدالرحمن بن علی ثعلبی استماع کرد. همچنین کتاب الخیل تألیف حافظ شرف الدین میاطی و کتاب العلم برهیی را نزد محمد بن علی خزای در قاهره آموخت. از دیگر استادان وی می‌توان از جمال محمد بن احمد بن عبدالمعطی، کمال الدین محمد بن عمر بن حیب حلب، بهاء الدین احمد بن شیخ تقی الدین سبکی، ابوالفضل کمال الدین نویری، عبدالرحیم اسنایی و برهان الدین قیراطی، نام برد (دمیری، ۱۴۲۴، مقدمه). پس از مدتی خود حلقه درسی در دانشگاه الازهر، خانقاه بیبرسیه قاهره به دست آورد. نیز مدتی را در مکه مکرمه مشغول تدریس و فتوا شد و شش بار حج گزارد و همانجا ازدواج کرد. در نهایت به قاهره بازگشت و در سال ۸۰۸ هـ.ق. درگذشت در مقابر اهل تصوف به خاک سپرده شد (العزی، ۱۴۰:۱۳۶۴).

تالیفات

دمیری در تفسیر و حدیث، فقه و اصول و ادبیات عرب دارای تالیفاتی است، از جمله ۱. الدیباچه، فی شرح سنن ابن ماجه، در پنج جلد ۲. النجم الوهاج فی شرح المنهاج تألیف نوادی، ۳. حیات الحيوان الکبری، که تقی الفاسی در سال ۸۲۲ آن را مختصر کرد ۴. ارجوزه فی الفقه ۵. التذکره ۶. شعر و نظم ۷. مختصر شرح لامیه العجم از صفدی ۸. حیات الحيوان

روش دمیری در تألیف حیات الحيوان

مهم‌ترین اثر دمیری که نام او را در تاریخ نگارش های عربی ماندگار کرد، حیات الحيوان است. با این همه کسی ازین استاد سرحلقه زهاد الازهر تألیف حیات الحيوان را درخواست نکرده بود؛ بلکه آنچنان که خود در دیباچه کتاب با نثری مسجع می‌گوید، وجود نام حیوانات در برخی دروس، آیات و احادیث، اشعار، امثال و حکم او را برین امر واداشت (دمیری، ۲). دمیری حیات الحيوان الکبری را به سال ۷۳۳ به زبان عربی نگاشت و بعدها خلاصه‌ای از آن با نام «حاوی الحسان من حیات الحيوان» تألیف کرد (بلاچ: ۱۷۳). او کتاب را با سیاقی منظم، طبق حروف معجمه مرتب ساخت. کتاب دارای نثری مرسل و گاه مسجع است. وی درین اثر به ذکر نام ۱۰۶۸ حیوانی که اسامی آنها را شنید و یا آنها را در کتب قدیم یونان، عرب و نیز آثار دامپزشکی و جانورشناسی نزدیک به عصر خود نظیر آثار ارسطو، ابن سینا، زکریای رازی، ابن بختیشوع و ابن زهیر یافته، می‌پردازد. بنا به گفته خودش در تألیف کتاب از ۵۶۰ کتاب و ۱۹۹ دیوان شعر استفاده کرده است. وی این مطالب را تنقیح نموده و آنچه را که به نظرش غیرقابل قبول بوده به کنار می‌نهد و بدانچه اجماع علما برآن واقع شده، اقرار می‌کند. با وجود احتیاط فراوان در نقل روایات، مطالب شگفت‌آور فراوانی را در کتاب باقی و صحت مضمون آنها را به عهده خود راوی گذارده است. از این رو تمام گزارشها و روایات این کتاب، با اسناد آنها به روایانشان مورد تأیید قرار می‌گیرند. در مواردی هم که اشتباهی رخ داده باشد با بی‌طرفی آن اشتباه را یادآوری می‌کند.

اما روش مؤلف در ارائه اطلاعات به این گونه است: بعد از آنکه نام حیوان را به صورت کامل و دقیق ضبط، کنیه و سپس ریشه لغوی آن را معرفی می‌کند، گاه اختلاف روایات در ضبط اسم یا مترادف نام حیوان را می‌آورد، گاه نیز به توصیف مختصر یا مفصل از حیوان پرداخته و سپس اخبار و روایات مربوط به طبیعت و سرشت آن حیوان را یادآور می‌شود. در

بخش روایات دسته‌ای از احادیث شریف نبوی و آیات قرآنی و پس از آن اشعار و امثال و حکم متناسب با موضوع را گردآورده است. در ادامه نظریات فقها را درباره حیوان مورد نظر از جهت حلیت و حرمت خوردن آن یادآور شده و در پایان به بیان فواید و مضار طبی گوشت آن حیوان و غیره پرداخته است. آنگاه به خواص حیوان و ذکر منافع و مضار حیوان و اجزای بدن او می‌پردازد. در نهایت به ضرب امثال مرتبط با جانور و تعبیر دیدن حیوان در خواب اشارت می‌کند. این کتاب به منزله کتابی مختصر درباره تاریخ خلفاء راشدین و بنی‌امیه در دمشق و بنی‌عباس و فاطمیان و بنی‌ایوب نیز محسوب می‌شود. دمیری در جلد اول کتاب حیات حیوان الکبری تحت عنوان فایده اجنبه به ذکر تاریخ خلفا و سلاطین مذکور می‌پردازد. دلیل اینکه مؤلف در کتابی این چنین به ذکر تاریخ ایشان پرداخته، این است که می‌خواهد ثابت کند هر فرد ششمی که عهده‌دار امر خلافت و حکومت شده است، به مرگ طبیعی نمرده، بلکه به قتل رسیده است. ویژگی دیگر این کتاب جنبه طبی و پزشکی آن است؛ چراکه در آن به بیان منافع و مضار گوشت برخی حیوانات پرداخته و از این جهت قابل توجه است. نیز نقل اعتقادات عامه در کتاب، اثر را مبدل به یکی از منابع موثق تحقیق در باب فولکلور عرب کرده است.

چاپ‌های کتاب

۱. چاپ‌های بولاق در ۲ جلد به سالهای ۱۲۷۵؛ ۱۲۸۴؛ ۱۲۹۲ هـ.ق. به اهتمام شیخ محمد قطه العدوی
۲. چاپ امیریه در سال ۱۲۸۴ به اهتمام شیخ محمد الصباغ
۳. چاپ میمونیه در سال ۱۳۰۵ در حاشیه طبع، عجایب المخلوفات و غرایب الموجودات قزوینی نیز چاپ شد.
۴. به سال ۱۳۵۳ هـ.ق نشر صبیح در قاهره کتاب را براساس نسخه بولاق امیریه به چاپ رساند (العزی، ۱۳۶۴: ۱۴۹).
۵. چاپ ایران در ۲ جلد در سال ۱۲۸۵ هجری به صورت مصوّر. از روی همین طبع، حیات حیوان به زبان‌های انگلیسی توسط جایاکار و فرانسوی برگردانده شد (رک: به بخش ترجمه‌های لاتین حیات حیوان در مقاله حاضر)
۶. چاپ بیروت در ۳ جلد توسط دارالکتب العلمیه (دمیری، ۱۴۲۴، مقدمه کتاب)

منتخب‌ها و ترجمه‌های حیات حیوان

حیوان جاحظ و حیات حیوان دمیری بارها استنساخ، به زبان‌های گوناگون ترجمه شده‌اند و از آنها ذیل، منتخب و مختصر ترتیب داده شده است. حیات حیوان دمیری خود نیز دارای سه صورت کبری، وسطی و صغری بوده است. برخی ازین آثار برین قراراند:

ذیل‌ها، منتخبات و مختصرهای حیات حیوان

برخی گزیده‌های کتاب حیات حیوان به زبان عربی به اجمال عبارت‌اند از: مختصر «دمامینی» (۸۲۸ق)، «فاسی» (۸۳۲ق) (از شاگردان دمیری)، «قاضی شیبی» (۸۳۷ق)، «سیوطی» (۹۱۱ق). (دایرة المعارف تشیع، ذیل حیوان، ج ۶ ص ۶۰۷) حاجی خلیفه پنج خلاصه و دو ذیل از حیات حیوان به زبان عربی در بخش علم حیوان برمی‌شمرد: مختصر شیخ شمس الدین محمد بن ابی‌بکر دمامینی، صاحب شرح معروف بر مغنی اللیب و از شاگردان دمیری که حیات حیوان را به مشافهه از استاد شنیده بوده، (العزی، ۱۳۶۴: ۱۴۳) با این عبارت آغاز شده است: «الحمد لله الذی اوجد بفضلہ حیات الحیوان» و در آن گفته شده که کتاب دمیری جامع احکام شرعی اخبار نبوی و مواعظ مفید و فواید فراوان و

ضرب امثال و ابیات نادر و ویژگی‌های عجیب و شگفتی‌های غریب است. ولی در برخی جاها دارای اطالۀ کلام و اطناب ممل می‌شود. مؤلف این کتاب را عین الحیات نامید و در شعبان سال ۸۲۳ هجری کتاب را کامل و به امیر احمدشاه بن مظفر شاه از پادشاهان هند اهدا کرد.

مختصر عمر بن یونس بن عمر حنفی، چنین آغاز شده است: «الحمد لله الذی یسر للانسان منافع الحيوان...» درین کتاب مؤلف به خواص حیوانات و معنای لغوی کفایت کرده و بر آنها شگفتی‌های تازه و بکر را نیز اضافه کرده است. اما رشته کلام از دستش خارج نشده است (حاجی خلیفه، ۱۲۷۴: ۷۵۵). دست نوشته‌هایی ازین کتاب در کتابخانه مرعشی قم با شماره ۱۱۲۲۴/۱۹ نیز در توپقاپوسرای و خزانه ملکیه در رباط (العزی، ۱۳۶۴: ۱۴۳) موجود است (العزی، ۱۴۳).

دیگری مختصر شیخ تقی‌الدین محمد بن احمد فاسی متوفی سال ۸۳۲ است. سخاوی درباب اصل کتاب دمیری می‌گوید: «با وجود اینکه زیاد از اصل مطلب منحرف می‌شود؛ ولی کتاب، کتاب خوبی است و گمان می‌کنم که در آن مجهولات فراوانی است و فاسی در مختصر خود کتاب را از همه اینها پیراسته و بر نکات مهم انگشت گذارده است» (حاجی خلیفه، ۱۲۷۴: ۷۵۵). دیگری مختصر علی القاری از ساکنان مکه مکرمه متوفی سال ۱۰۱۶ هجری قمری که آن را «بهجة الانسان في مهجة الحيوان» نامید و آغاز آن به این عبارت است: «الحمد لله الذی کرم نوع الانسان...» او این کتاب را در مکه به سال ۱۰۳۱ ق تالیف کرد.

مختصر شیخ جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی متوفی سال ۹۱۱ هـ ق، آغاز آن چنین است: «الحمد لله خالق الحيوان» و در آن ذکر شده است که مؤلف از حشوئیات کتاب بخش‌های زیادی را حذف کرده و دو موضوع بر آن افزوده است؛ یکی افزودن فواید حیوانات و دیگری آنچه که درباب حیوانات از کتب لغت فوت شده است و با عبارت «قلت» در آغاز بحث آن را از مطالب ترجمه مشخص کرده. سیوطی کتاب را دیوان الحيوان نامیده و بخش دوم آن را که به ترتیب الفبا تنظیم شده ذیل الحيوان خوانده. مؤلف اثر خود را در سال ۹۰۱ به پایان برد (حاجی خلیفه، ۱۲۷۴: ۷۵۵). نیز ذیل حیات الحيوان از قاضی جمال‌الدین محمد بن علی بن محمد شیبی مکی متوفی سال ۸۳۷ است که آن را طیب الحیات نامید (همان). نیز هم مختصر «کتاب الحيوان» ابن قاضی شبهه (۷۹۸-۸۷۴) که نسخه‌ای از آن در کتابخانه بودلیان دانشگاه آکسفورد موجود است. هم می‌توان به کتاب «المتقط من عجایب المخلوقات و حیات الحيوان» از محمد بن عبدالکریم صفدی اشاره کرد که آن را به سال ۸۹۶ نگاشت.

مختصری نیز با عنوان «حاوی الحسان من حیات الحيوان» از محمد بن عبدالقادر بن محمد الدمیری نگاشته به سال ۱۰۶۳ در کتابخانه عباسی مصر موجود است و برخی از جمله زرکلی را به گمان انداخته که کتاب از آن خود دمیری است (العزی، ۱۳۶۴: ۱۴۴-۱۴۳).

جز اینها، چهار چکیده و گزیده دیگر از حیات الحيوان به زبان عربی نیز در فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران، ثبت شده است که عبارت انداز:

منتخبی از حیات الحيوان، توسط محمد بن جلال طیب در قرن یازدهم هجری به زبان عربی ترتیب داده شده. نسخه‌ای ازین کتاب، در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، به شماره ۷۸/۹ موجود است.

نیز در همین قرن مصطفی بن محمد منتخبی از حیات الحيوان ترتیب داده که نسخه‌ای از آن در خوی، کتابخانه نمازی به شماره ۴۹۰ و نیز در قم مرکز احیاء میراث اسلامی به شماره ۸۳۳ موجود است.

دیگری منتخب من خواص الحيوان، به زبان عربی است که درین انتخاب بیشتر مطالب تاریخی حیات الحيوان دمیری را که مربوط به خلفای راشدین و بعضی خلفای امویان و عباسیان است گزیده و مطالب متعلق به حیوانات را که کمال

الدین دمیری در کتاب خود آورده ذکر نمی‌کند. دست‌نوشته این اثر در تهران، مدرسه سپهسالار، به شماره ۵-۶۶۳ یافت می‌شود (درایتی، مصطفی، ۱۳۸۹: ۸۰۸/۴).

در نهایت مستحدث ترین گزیده از کتاب حیات الحيوان المختار من حیات الحيوان از محمد حاذق است که به سال ۱۹۵۸ میلادی در قاهره به طبع رسیده (العزی، ۱۳۶۴: ۱۴۴).

ترجمه‌های حیات الحيوان به فارسی

اشتهار کتاب حیات الحيوان جهان اسلام را درنوردیده به اروپا نیز رسیده، ازین روی به زبان های شرقی و غربی گوناگون ترجمه شده است. از میان زبان‌های مختلف به گمان ما ترجمه‌های فارسی کتاب تعدد و تنوع بیشتری دارند؛ متأسفانه تاکنون هیچ یک از ترجمه‌های فارسی حیات الحيوان تصحیح و چاپ نشده؛ باین همه نسخ متعددی از این ترجمه‌ها در کتابخانه‌ها موجودند.

۱. حیات الانسان

نخست حکیم شاه محمد بن مبارک قزوینی (ف ۹۶۶ق) از مشاهیر پزشکان اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری شاگرد علامه دوانی است، حیات الحيوان دمیری را با عنوان «حیات الانسان» ترجمه کرده و بعضی مطالب نیز بر آن افزوده است. حکیم شاه محمد نسخه مترجم خود را ازین کتاب حیات الانسان نام داد و گفت «نام این ترجمه حیات الانسان است؛ زیرا که معرفت او سبب حیات ابدی انسانست» او ترجمه خود را بنا به گفته حاجی خلیفه به سلطان سلیم خان بن سلطان بایزید خان بن سلطان محمد خان معروف به فاتح اعظم عثمانی تقدیم کرد. در دایرةالمعارف تشیع (دایرةالمعارف تشیع، ذیل الحيوان، ج ۶ ص ۶۰۷) و نیز دانشنامه ایرانیکا (ایرانیکا ذیل damiri, mohammad) هم به نظر می‌رسد، به اقتفای کشف الظنون همین گونه آمده است. اما ذبیح الله صفا بر آن است که ترجمه او به نام سلطان سلیمان خان بن سلطان سلیم مصدر است (صفا، ۵: ۱۶۴۴) و نه آنچنان که حاجی خلیفه گفته به سلطان سلیم خان قدیم که مقصودش سلطان سلیم اول بوده است.

نسخه‌ای ازین ترجمه در مدرسه سپهسالار به شماره ۳۲۷۰ در ۳۴۱ برگ موجود است (درایتی، مصطفی، ۱۳۸۹: ۸۱۰/۴). نیز نسخه‌ای از آن به شماره suppl.333 و به شماره فهرست ۸۱۶ در کتابخانه ملی پاریس موجودست که به تاریخ ۹۳۳هـ یعنی در حیات مترجم به دست ابراهیم بن علی شربتی در استانبول استنساخ گردید (صفا، ۵: ۱۶۴۴) به نظر می‌رسد، محمد روشن این اثر را از روی همین دست نوشته تصحیح کرده و هم اکنون کتاب زیر چاپ است.

شرح حال مترجم: در سه اثر، کم و بیش اشاره‌ای به تاریخ زندگانی حکیم شاه محمد قزوینی شده است:

نخست: کتاب الشقائق النعمانية فی علماء الدولة العثمانية تألیف طاش کیری زاده (ج اول ص ۳۷۱-۳۷۲)

دوم: کتاب کشف الظنون تألیف حاجی خلیفه.

سوم: قاموس الاعلام شمس الدین سامی (ج ۳).

در دارالشقائق نعمانیه آمده است که او طب و دیگر علوم را از علامه جلال‌الدین دوانی آموخت؛ سپس به مکه مکرمه مسافرت کرد و در آنجا مدتی مجاور خانه خدا بود. سپس نزد بایزید خان به عنوان طبیب فراخوانده شد و روزانه ۱۲۰درهم برای او معین شد. هنگامی هم که سلطان سلیم خان بر تخت نشست همواره ملازم و مقرب او بود و به درجات بالا رسید. در روزگار سلیمان خان نیز وفات کرد. بدین ترتیب حکیم شاه محمد زمان سه سلطان؛ یعنی بایزید و سلیم و سلیمان را متوالیا درک کرده است و ظاهراً از ندما و نزدیکان دو سلطان اخیر بوده است و در آن کتاب همه جا آنان را به ادب و احترام یاد نموده و اشاره به نزدیکی خود با آنها کرده است.

آثار او فراوان بوده‌اند، اما بهترین آنها تفسیر قرآن عظیم، کتاب ربط السور و الايات، حاشیه بر تهافت المولى خواجه زاده و حاشیه بر شرح عقاید العضديه از علامه دوانی، و شرح الایساغوجی و شرح الموجز در طب و ترجمه نفایس الفنون به فارسی نیز ترجمه حیات الحيوان دمیری به فارسی است (نوایی، ۱۳۶۳: پیشگفتار، لب).

اما در قاموس الاعلام آمده است که حکیم شاه محمد ذیلی به تذکرة الشعرا امیرعلیشیر نوایی نوشته، حیات الحيوان را به ترکی ترجمه کرده است (با کلام صاحب الشقایق اختلاف دارد) او یکی از سه مترجم مجالس النفائس امیرعلی شیر نوایی نیز می‌باشد (همان).

۲. خواص الحيوان تبریزی

دودیدگر میرزا محمد تقی بن خواجه محمد تبریزی، متوفی ۱۱۲۰ (رک: کحاله، ۹: ۱۲۶) آن ترجمه را برای میرزا محمد ابراهیم بن صدرالدین محمد در عهد شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ قمری) نوشته و خواص الحيوان نامیده است. (دایرة المعارف تشیع، ذیل الحيوان، ۶: ۶۰۷) مؤلف، شیعی مذهب و صاحب «رساله فی محاسبه النفس» بوده و آقازیرگ تهرانی در الذریعه به کتاب او اشاره کرده است (الذریعه، ۷/ ۲۷۲).

معرفی کتاب

میرزا محمد تقی تبریزی کتاب حیات الحيوان دمیری را ترجمه و بسیار مختصر، پس معادل فارسی و سپس ترکی هر واژه را ذکر و منافع و مضار هر حیوان را بیان کرده است: «بهتر آنکه این کتاب را اختصاری یابد ترجمه آن به فارسی اول اسم عربی پس نام فارسی و ترکی و خواص و منافع و مضار و تعبیر هر حیوانی بیان شود» (تبریزی، چاپ سنگی، ص ۲) نویسنده می‌گوید: «بزمان شاه‌عباس ثانی روزی در مجلس ابن‌صدر محمد میرزا محمد ابراهیم سخن از حیات الحيوان رفت و بر اثر تشویق او دستور یافتم که این کتاب را بفارسی برگردانم من با قلت بضاعت دست به ترجمه زدم و ترجمه حاضر را که در بیست و هشت باب است، به ترتیب حروف تهجی مبوب ساختم و در هر باب سه فصل بیان نمودم فصل اول: در اسامی که مفاتح آن مفتوح است؛ فصل ثانی: در آنچه اوایل آن مکسور است؛ فصل ثالث: در آنچه مبادی آن مضموم است» (تبریزی، چاپ سنگی، صفحه نخست).

ترتیب خواص الحيوان تبریزی با ترجمه فاجی و علامی که پس از این بدان اشاره خواهیم کرد، اندکی متفاوت است. ترجمه فوق به ترتیب حروف تهجی و حرکات فتحه و کسره و ضمه تبویب شده است. در حالی که ترجمه علامی و فاجی بر اساس متن کتاب دمیری است.

نسخه‌ها

به نظر می‌رسد، این ترجمه به نسبت دیگر ترجمه‌ها روایی بیشتری داشته، حدود چهل نسخه ازین کتاب در کتابخانه‌های سراسر ایران یافت می‌شود (درایتی، مصطفی، ۱۳۸۹: ۸۱۰-۸۱۱). آغاز نسخه: «بسمله، حمد بیحد و ثنای بیعد خداوندی را سزد که مشکواه (کذافی السنخه) بیان حیوان را به چیراغ جان بر افروخت» و انجام نسخه: «الحمد لله الذی و فقنا علی الاتمام و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین بالتمام».

از جمله در تهران: مدرسه سپهسالار با شماره ۳۲۷۵، کتابخانه ملی ۱/ ۲۸۹۳، نیز ۲۰۱۹، مجلس شورای اسلامی، ش: ۲۱۷۱ و در مشهد، کتابخانه امام هادی ش: ۱۶؛ آستان قدس رضوی، ش ۲۲۶۲۷؛

چاپ سنگی این کتاب نیز به سال ۱۲۷۹ قمری، به خط محمد باقر بن محمد حسن انصاری فراهم آمده است.^۴

۳. صفات الحيوان

منصور بن (تاریخ پزشکی: ابراهیم) حسن ملقب به غیاث بن علاء دینی ایجی شبانکاری حیات الحيوان را در حدود ۹۳۰ قمری با عنوان صفات الحيوان به فارسی ترجمه کرده، مطالبی بر آن افزود (دايرة المعارف تشيع، ذیل الحيوان، ۶/ ۶۰۷) این کتاب از نظر ترتیب، با حیات الحيوان متفاوت است. آنچنان که نخست با انسان آغاز، سپس به ابل، ابابیل، ارنب، اسد و... پرداخته می‌شود. حال آنکه ترتیب اثر دمیری از اسد آغاز می‌شود. نیز با ترجمه محمدتقی تبریزی تفاوت‌هایی دارد. به نظر می‌رسد مترجم مطالبی را حذف کرده و مباحثی از قبیل خواص و خصایص و عمر طبیعی بدان افزوده است (مهری، ۵۸).

نسخه‌ها

از این کتاب، در کتابخانه ملی سه نسخه، به شماره ۲۲۰۱ و دیگری به شماره ۲۶۵۹، نیز نسخه‌ای به خط میرزا وصالی، به شماره ۲۴۷ نگهداری می‌شود که توسط میرزا در ساری مازندران استنساخ شده است و چنین آغاز شده است: «بعد البسملة. حمد بیحد حکیمی را سزد که بخاری لطیف را سبب حیوه حیوان ساخت و شکر بیعد دانائی را سزاوار است که ترکیب بدن جانوران را از اخلاط عناصر اربعه پرداخت.» خاتمه آن نیز با این عبارات است: «چون ابتداء این کتاب ذکر آدم شد که ابوالکل است و انتها و ختم کتاب هم بنام پیغمبری و ذکر وی شد» نسخه‌ای نیز در دانشگاه تهران با شماره ۱۹۶۸- ف و دانشکده علوم پزشکی تهران به شماره ۹۹، و کتابخانه ملک به شماره ۲۹۴۵ به خط ابوالقاسم بن ملاعلی ایزی النجانی و در قم کتابخانه آیه الله مرعشی به شماره ۲۶۴۰ موجود است (درایتی، مصطفی، ۱۳۸۹، ج ۷: ۱۴۱). در این کتاب اشارت رفته است که ارسطو و جاحظ کتابی درباره جانورشناسی نوشته‌اند و ابوعبیده اندلسی در سال چهار صد قمری کتاب حیوان جاحظ را مختصر کرده و مقاله خواب را به آن افزوده و آن را روح الحيوان نام گذارده است؛ بعدها دمیری از این کتاب و جامع ابن بیطار و عجائب المخلوقات و بعضی کتب دیگر مطالبی گرد کرده و کتابی بنام حیات الحيوان فراهم آورده و سپس منصور بن حسن بن ابراهیم آن را به نام صفات الحيوان ترجمه کرده است.

۴. ترجمه حیات الحيوان با مقدمه علی بن محمد هارون هروی

ترجمه حیات الحيوان با مقدمه علی بن محمد هارون هروی در سال ۱۲۴۹ هجری قمری برای خسروخان والی کردستان و آذربایجان به یاری دو تن دیگر با نام‌های ملا محمد سعید بن ملا سلیم علامی و عبدالحمید فاوجی نوشته شد. «خسروخان پسر امان الله خان والی کردستان و داماد فتحعلیشاه بوده که پس از درگذشت امان الله خان در سال ۱۲۴۰ به جای پدر خود والی کردستان شد و در تاریخ پنجم ذی الحجه به سال ۱۲۷۳ درگذشت» (بامداد، ۱۳۴۷: ج ۱، ص ۴۷۸). از پیشگفتار کتاب برمی‌آید که علی بن هارون تالیفات دیگری از جمله بحرال معارف هم داشته است، نیز شعر هم می‌سروده: «مؤلف هروی در کتاب بحرال معارف که تألیف اول است مسلم حالات خجسته خسروی را برشته نظم و نثر کشیده» (صفحه ۱ از نسخه خطی کتابخانه شخصی)

نسخه‌ها

ازین ترجمه نسخه‌ای در مشهد، کتابخانه آستان قدس رضوی، ش: ۵۷۹۵ و در تهران، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش: ۲۳۱۵ به خط آقابابا پسر ملا محمد مهدی شاه میرزادی برای بهاء الدوله، نیز در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش: ۱۲۴۰ و در قم کتابخانه آیه الله مرعشی ش: ۳۵۸۰ موجود است. نسخه‌ای ازین کتاب نیز در کتابخانه شخصی نگارنده نگاهداری می‌شود.

در واقع این ترجمه نخست توسط ملامحمد سعید بن ملا سلیم علامی و سپس عبدالحمید فاوجی ترتیب یافته و علی بن محمد هارون هروری تنها مقدمه‌ای بر کتاب افزوده است. آن چنان که علی بن هارون هروری خود در دیباچه گوید: «دو نفر از علمای آگاه که مجمع مجموع معالم‌اند و مصدر معلوم عوالم مقرر و مامور ساخته که جهت انتشار منافع و مآثر این طومار جامع ترجمه نافع نویسند نخستین عالیجناب مبادی آداب ملاعبدالحمید فاوجی است که او را قندی از این کتاب نوشته در گذشت و آخرین علامی ملا محمد حفید (پسر) مرحوم ملاسلیم است که باتمام این شغل خطیر مؤید گشته است» (نسخه کتابخانه شخصی، ۲). اما بیشتر آن را ترجمه علی بن محمد هارون هروری پنداشته‌اند؛ آن چنان که در دایرة المعارف تشیع ترجمه مذکور منسوب به علی بن محمد هروری است (دایرة المعارف تشیع، ذیل الحيوان، ج ۶، ۶۰۷). نیز در فهرست نسخ خطی هم عموماً این ترجمه به نام علی بن هارون هروری ضبط شده است. در فهرستواره دست نوشته‌های ایران (دنا) ترجمه هروری مجزاً از ترجمه علامی پنداشته شده و یک بار به نام هروری و بار دیگر به نام علامی در نظر گرفته شده است (درایتی، مصطفی، ۱۳۸۹: ۸۱۲). حال آنکه این دو ترجمه در واقع یکی هستند و می بایست به نام علامی و فاوجی با مقدمه علی بن هارون هروری، ثبت می شد.

چنانکه علی بن محمد هروری در پیشگفتار خود گوید: «پس از نگارش مدح و نعت احمدی مؤلف این رقم علی بن محمد الهروی ملتزم تحریر عنوان دلپذیر نسخه ایست که محتوای بر جمیع حقایق آفرینش و دقایق دانش و بینش که قبل از این منتظم گشته و قرنهای گذشته که احدی از ثقات اسلام باین مهم که اهم مهام دین است، اقدام نکرده و ملهم نشده که آنرا از لغات تازی و عبارات عربی بالالفاظ مناسب بفارسی ترجمه نویسد تا عامه طبقات عجم از فیض عامش بی بهره نصیب نمانند و هر یک بمقدار دانش و فرصت از فقرات آن کتاب که نسخه انتخاب عمل است بهره ستانند» (نسخه کتابخانه شخصی، ۲). از آنچه آمد روشن می شود که یا علی بن محمد هروری از وجود دیگر تراجم ناآگاه بوده و یا ترجمه پیش رو از جهاتی تازگی داشته است. آنچنان که گفته آمد، سه ترجمه مسبق الذکر، از نظر ترتیب و نیز اضافات و اختصارات با کتاب حیات الحيوان تفاوت هایی دارند، حال آنکه تا آنجا که راقم این سطور بررسی کرده است، تفاوتی میان اصل و ترجمه مذکور نیافته و به نظر می رسد، در میان ترجمه‌های موجود، این اثر به متن عربی بیشتر وفادار بوده است و مترجمان مسبق الذکر درحالی که موفق به برگردان کاملی از حیات الحيوان دمیری شده اند، جانب امانت را بیش از دیگران نگاه داشته اند.

۵. خواص الحيوان حزین لاهیجی

در دایرة المعارف تشیع در کنار دیگر کتب تراجم حیات الحيوان یک خواص الحيوان هم به فارسی ذکر شده، تألیف شیخ محمد علی بن ابی طالب زاهدی حزین گیلانی لاهیجی معروف و صاحب فرسنامه که غیر از کتاب التذکره فی علم البزدره هموست (دایرة المعارف تشیع، ذیل الحيوان، ۶/ ۶۰۷).

معرفی نویسنده

محمد علی بن ابی طالب بن عبدالله زاهدی لاهیجانی گیلانی معروف به محمد علی حزین از دانشمندان و شعرای بزرگ اواخر دوران صفویه در سال ۱۰۳۳ق در اصفهان زاده شد و علوم حکمت و طب را در اصفهان و شیراز و گیلان آموخت. وی کلیات قانون را از پزشک معروف حکیم مسیحا آموخت و در علوم و حکمت شاگرد شیخ عنایت الله گیلانی و سید حسن طالقانی بود. حزین در سال ۱۱۴۳ق که محمود افغان وارد اصفهان شد در آن شهر بود. وی پس از مرگ برادران و بستگانش از آن شهر گریخت. مدتی در خرم آباد و کرمانشاه زیست و سپس در سال ۱۱۵۵ق به زیارت کعبه شتافت. از آنجا به مشهد و کرمان آمد و

در سال ۱۱۴۶ از ترس نادرشاه رهسپار هندوستان شد و در سند و مولتان مسکن گزید. وی در سال ۱۱۵۴ تاریخ و سفرنامه خود را نگاشت که از منابع اصلی محاصره اصفهان و تسلط افغانان است. سرانجام در سال ۱۱۸۰ق در شهر بنارس هندوستان درگذشت. حزین شاعر بزرگی است که دیوان اشعار او معروف خاص و عام می باشد. از تالیفات او رساله امامت، شرح تجرید، تذکره المعاصرین، مفرح القلوب در طب، خواص الحیوان و فرسنامه را می توان ذکر کرد (تاجبخش، ۱۳۷۹: ۴۷۰).

نسخه‌های کتاب

نسخه‌ای ازین کتاب در قسمت سوم مجموعه ۲۳۵۶۲ کتابخانه موزه بریتانیا (بریتیش میوزیوم) موجود است.

معرفی کتاب

رساله در ۴۵ صفحه شامل یک مقدمه، سه باب و یک خاتمه است. درین رساله ابتدا در مورد حیوانات و پرندگان شکاری و حلال و حرام بودن آنها از نظر فقه شیعه و سایر مذاهب اسلام بحث کرده و درعین حال به خواص طبی آنان اشاره‌ای دارد. درباب دوم کیفیت حصول حیوانات و حقیقت آن را بیان نموده یا به عبارتی جماد و گیاه و نبات را از نظر فلسفی مورد بحث قرار می دهد. در مقدمه خواص الحیوان آمده است: «سپاس بی قیاس که مدارک اوهام از استقصای اصولش قاصر... طراز این نامه همایون خامه مستمند فیض ازلی ابن ابیطالب جیلانی سطری چند در ذکر بعضی انواع حیوان و احکام و خواص آن می نگارد، مشتمل بر مقدمه و سه باب و خاتمه مبنی بر دو فصل...» در مورد پرسو گوید: «خطاف و به مذهب حنفی خلافت و نزد شافعی حرام، کباب مفتوح سدد و رافع سنگ مئانه و امراض سپرز و یرقانست،» (برگ ۸۰ مجموعه) این رساله از جنبه فقهی و فلسفی ارزشمند است و مطالب حیوان شناسی آن ترجمه خلاصه واری است، از برخی مطالب حیات الحیوان دمیری (تاجبخش، ۱۳۷۹: ۴۵۸) از قراین بر می آید که اثر حزین با کتاب دمیری تفاوت‌هایی دارد و تحقیقاً ترجمه کامل کتاب محسوب نمی شود.

۶. عین الحیات فی ترجمه حیات الحیوان

در نشریه نسخ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران هم از کتاب دیگری با نام عین الحیاة فی ترجمه حیات الحیوان یاد شده که در شهر مدینه در مدرسه الساقلی با کد دستیابی ۲۶۰ موجود است (نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران - دفتر ۵: ۵۰۹).

۷. ترجمه احمدشاهی مشهدی

در کتاب تاریخ نظم و نثر در ایران از ترجمه حیات الحیوان به فارسی توسط محمدحسین، فرزند احمدشاهی مشهدی، که گویا از دانشمندان سده دهم بوده است یاد شده (نفیسی، ۱: ۴۰۲) و نیز (منزوی، ۱۳۶۲: ۳۸۳۴).

۸. ترجمه ابوالفضل علّامی

ابوالفضل علّامی، فرزند مبارک، برادر کهتر فیضی، از نویسندگان زبردست و پرکار سده دهم و از درباریان اکبرشاه (۹۶۳-۱۰۱۴) حیات الحیوان را به فارسی ترجمه کرده است (منزوی، ۱۳۶۲: ۳۸۳۴).

به طور کلی ماحصل کلام اینکه درمیان تراجم فارسی یاد شده، به نظر می رسد، ترجمه‌هایی نظیر خواص الحیوان از محمد تقی بن خواجه محمد تبریزی از صورت صغرای کتاب دمیری، صفات الحیوان از غیاث بن علاء دینی ایچی شبانکاری از حیات الحیوان وسطی و ترجمه حیات الحیوان با مقدمه علی بن محمد هارون هروی از صورت کبرای حیات الحیوان دمیری بوده است. ترجمه‌های ترکی کتاب دمیری نیز آنچنانکه خواهد آمد برهمین سیاق می تواند مترتب باشد.

ترجمه‌های ترکی حیات الحیوان

«ترجمه‌ای که احتمالاً از صورت صغرای حیات الحیوان به وسیله محمد بن سلیمان در دوران عثمانی شکل گرفت و نسخه‌ای از کتاب، در استانبول موزه توپکاپو سرای به شماره ۱۶۶۴ موجود است.^۵ دیگری احتمالاً از صورت وسطای حیات الحیوان توسط ابراهیم بن الحاج عبدالله الادانوی، مفتی سیواس ترکیه بود که این ترجمه شامل فهرستی از کتاب نیز می باشد. سومین ترجمه توسط عبدالرحمان بن ابراهیم که در قسطنطنیه در سال ۱۲۷۵ هجری طبع شده است»^۶ (Iranica, damiri).

نیز تحفه الزمان و خریدات الاوان از مؤلف دایرة المعارف ترک مصطفی بن علی الموقت که شامل مباحث جانورشناسی است، بر پایه کار دمیری و عجایب المخلوقات قزوینی صورت گرفته (Glassé, 315). آن چنانکه گفته آمد، مؤلف مقاله حیات الحیوان در دایرة المعارف اسلام (Encyclopedia of islam) تنها به اثر ادانوی و محمد بن سلیمان اشاره کرده است و احتمال داده که جز آن هم نباشد، حال آنکه جی، ای. راسل در ایرانیکا از دو ترجمه ترکی دیگر این کتاب هم یاد کرده است. (Iranica, damiri).

ترجمه‌های لاتین حیات الحیوان

کار دمیری در اروپا نیز شناخته شده است و به صور گوناگون به زبان‌های لاتین نیز برگردانده شده است. به طور نمونه، در فهرست منابع و مآخذ کتاب توماس رابکرافت^۷ ازین کتاب یاد شده است. نیز این کتاب توسط ساموئل بوکارت^۸ (۱۵۹۹-۱۶۶۷)، محقق انجیل، به قصد نمایش قدرت الهی با احترام به مخلوقات او، به نظم درآمد. دمیری در میان مستشرقان قرن هجدهم با اثر بوکارت شناخته شد (Iranica, damiri) ابراهیم حاقلانی، دانشمند مارونی، دیوان الحیوان سیوطی را (رک: به مختصر سیوطی از حیات الحیوان در همین مقاله) به لاتین ترجمه کرد، آنگاه ساموئل بوکارت بخش اعظمی ازین ترجمه را به کتاب خود «حیوانات مقدس» افزود، اعتبار این کتاب به لاتین با اثر دمیری پهلو می زند. گزیده‌ای از حیات الحیوان نیز به زبان فرانسوی به کوشش سیلوستر دوساسی^۹ (مستشرق و ایران شناس فرانسوی) از روی چاپ فارسی کتاب در سال ۱۷۸۷ میلادی پدید آمد (العزی، ۱۴۵) از یک ترجمه منتشر نشده فرانسوی^{۱۰} از اثر دمیری توسط پتیت کرویکس^{۱۱} در کتاب هربلوت^{۱۲} نیز یاد شده است.^{۱۳} کلنل جایاکار در بمبئی هندوستان (A.S.G. Jayakaer) ترجمه انگلیسی ناقص اما جامعی از کتاب از روی چاپ فارسی کتاب تا مدخل ابوفراسبه همراه مقدمه عالمانه ای فراهم آور (Iranica, damiri)^{۱۴} این ترجمه بیانگر تسلط عالی مترجم به دو زبان عربی، انگلیسی، ادب، علوم اسلامی و جانورشناسی است (العزی، ۱۴۶).

نمونه‌هایی از برخی ترجمه‌های فارسی

به منظور مقایسه حیات الحیوان با ترجمه‌هایش دو برگگی از بخش نخست کتاب؛ یعنی باب الاسد را برگزیده، به همراه برخی ترجمه‌های کتاب از جمله ترجمه ملا محمد سعید بن ملا سلیم علامی و عبدالحمید فواجی، چاپ سنگی خواص الحیوان و یکی از نسخ خطی صفات الحیوان را درینجا باز می نمایم:

بخش باب الاسد از کتاب حیات الحیوان^{۱۵}

باب الهمزة

الأسد

من السباع معروف، و جمعه أسود و أسد و آسد و آساد و الأثني أسدة و في حديث «١» أم زرع: «زوجي إن دخل فهد، وإن خرج أسد». و له أسماء كثيرة، قال ابن خالويه: للأسد خمسمائة اسم وصفة. و زاد عليه علي بن قاسم بن جعفر اللغوي مائة و ثلاثين اسما فمن أشهرها: أسامة و البيهس و النّاج و المخذب و الحارث و حيدرة و الدوّاس و الرئبال و زفر و السبع و الصّعب و الضّرغام و الضيّغم و الطيثار و العنيس و الغضنفر و الفرافصة و القسورة و كهمس و الليث و المتأنس و المتهيّب و الهرماس و الورد. و كثرة الأسماء تدل علي شرف المسمى. و من كناه أبو الأبطال و أبو حفص و أبو الأخيف و أبو الزعفران و أبو شبل و أبو العباس و أبو الحارث.

و إنما ابتدأنا به لأنه أشرف الحيوان المتوحش؛ إذ منزلته منها منزلة الملك المهاب، لقوته و شجاعته و قساوته و شهامته و جهامته و شراسة خلقه، و لذلك يضرب به المثل في القوّة و النجدة و البسالة و شدّة الإقدام و الجرأة و الصّولة. و منه قيل لحمزة بن عبد المطلب رضی الله عنه: أسد الله و يقال: من نبيل الأسد أنه اشتق لحمزة بن عبد المطلب من اسمه، و كذلك لأبي قتادة، فارس النبي صلي الله عليه و سلم. ففي صحيح مسلم، في باب إعطاء القاتل سلب المقتول. فقال «٢» أبو بكر رضی الله عنه: «كلا و الله لا يعطيه أضيعة من قريش، و يدع أسدا من أسد الله تعالى يقاتل عن الله و رسوله». و سيأتي إن شاء الله تعالى في باب الضاد المعجمة.

و هو أنواع كثيرة، قال أرسطو: رأيت نوعا منها يشبه وجه الإنسان، و جسده شديد الحمرة، و ذنبه شبيه بذنب العقرب، و لعل هذا هو الذي يقال له الورد. و منه نوع علي شكل البقر له قرون سود نحو شبر، و أما السبع المعروف فإن أصحاب الكلام في طبائع الحيوان، يقولون: إن الأثني لا تضع إلّا جروا واحدا تضعه لحمة ليس فيه حسّ و لا حركة، فتحرسه كذلك ثلاثة أيام، ثم يأتي أبوه بعد ذلك فينفخ فيه، المرة بعد المرة، حتى يتنفس و يتحرك و تنفّج أعضاؤه، و تتشكل صورته، ثم تأتي أمه فترضعه، و لا يفتح عينيه إلّا بعد سبعة أيام من تخلقه، فإذا مضت عليه بعد ذلك ستة أشهر، كلف الاكتساب لنفسه بالتعليم و التدريب. قالوا: و للأسد من الصبر علي الجوع، و قلة الحاجة إلى الماء، ما ليس لغيره من السباع. و من شرف نفسه: أنه لا يأكل من فريسة غيره، فإذا شبع من فريسته تركها، و لم يعد إليها، و إذا جاع ساءت أخلاقه، و إذا امتلأ من الطعام ارتاض و لا يشرب من ماء و لغ فيه كلب: و قد أشار إلى ذلك الشاعر بقوله:

و أتترك حبهها من غير بغض
إذا وقع الذباب علي طعام
و تجتنب ايسود و رود ماء

و قد ألغز بعضهم في القلم فقال «١»:

و أرقش مرهوف الشباة مهفهف
تدين له اى فاق شرقا و مغربا
حمي الملك مفطوما كما كان تحمى

و إذا أكل نهس من غير مضغ، و ريقه قليل جدا، و لذلك يوصف بالبخز، و يوصف بالشجاعة و الجبن، فمن جنبه أنه يفزع من صوت الديك، و نقر الطست، و من السنور، و يتحير عند رؤية النار، و هو شديد البطش، و لا يألف شيئا من السباع لأنه لا يري فيها ما يكافئه، و متى وضع جلده علي شيء من جلودها تساقطت شعورها، و لا يدنو من المرأة الحائض و لو بلغ الجهد، و لا يزال محموما، يعمر كثيرا و علامة كبره سقوط أسنانه؛ روي ابن سبع السبتي، في شفاء الصدور، عن عبد الله بن عمر بن الخطاب

رضی الله عنهما، أنه خرج في بعض أسفاره، فبينما هو يسير إذ هو بقوم وقوف، فقال: ما هؤلاء القوم؟ قالوا: أسد علي الطريق قد أخافهم، فنزل عن دابته ثم مشي إليه حتى أخذ بأذنه، ونحاه عن الطريق، ثم قال له: ما كذب عليك رسول الله صلي الله عليه وسلم بقوله: إنما سلطت علي ابن آدم لمخافته غير الله، ولو أن ابن آدم لم يخف إلا الله تعالى لم تسلط عليه ولو لم يرج إلا الله تبارك وتعالى لما وكله إلى غيره.

و في سنن أبي داود، من حديث «٢» عبد الرحمن بن آدم، و ليس له عنده سواه، عن أبي هريرة رضي الله تعالى عنه أن النبي صلي الله عليه وسلم قال: «ينزل عيسى بن مريم عليه الصلاة والسلام إلى الأرض و كأن رأسه يقطر، و لم يصبه بلل، و أنه يكسر الصليب و يقتل الخنزير، و يفيض المال و تقع الأمانة في الأرض، حتى يري الأسد مع الإبل، و النمر مع البقر، و الذئب مع الغنم، و يلعب الصبيان بالحيات و لا يضر بعضهم بعضاً؛ ثم يبقي في الأرض أربعين سنة، ثم يموت و يصلى عليه المسلمون و يدفونوه. و في الحلية لأبي نعيم، في ترجمة ثور بن يزيد، قال: بلغني أن الأسد لا يأكل إلّا من أتى محرماً.

بخش نخست حیات الحیوان با مقدمه علی بن محمد هارون هروی

اسد معروفست و جمع آن اسود است بر وزن خلود. اسد بر وزن خلد اسد بروزن اجر اساد بر وزن آباد و مونث اسده باشد با تا در حدیث ام زرع وارد است که «زوجی این دخل فهد، و این خرج اسد».

و اما شیر درنده که مشهور و معروف است، شناسندگان طبایع حیوانات گویند که مؤنث آن در وقت زاییدن همین تنها بچه را می نهد آنهم گوشت پاره‌ای است که اصلاً حس و حرکت درو نیست تا سه روز. آن را به آن کیفیت پاسبانی می کند پس آنکه پدرش می آید و پی در پی دم درو می دمد تا اینکه حرکت و نفس درو پیدا و اعضایش آشکار و هویدا و صورتش تشکل پذیر می گردد، باز مادرش می آید و او را شیر می دهد تا هفت روز چشم باز نمی کند و بعد از آن که شش ماه بر وی بگذرد او را بر آموختن پیشه خود تعلیم و آموزگاری می کند و گفته اند آن خصلت که شیر را هست از صبر بر گرسنگی و قلت احتیاج به آب دیگر وحشیات را نیست و از عادت او آن است که از کشته غیر نخورد و برین معنی اشاره است:

نخورد شیر، نیم خورده سگ گر بسختی بمیرد اندرنا

و چون از کشته خود سیر شود، آن را می گذارد و دیگر بران عودت نخواهد کرد و چون گرسنه گردد بدخلق می شود و آن زمان که از طعام امتلا یابد به ریاضت خود را می نماید و از آبی که سگ دهان فروبرده باشد نمی آشامد و شاعر برین معنی اشارت کرده چنانکه گفته است:

إذا وقع الذباب علی طعام رفعت یدی نفسی تشتهیه

چون مگس بر طعام بیفتد برمی دارم دست خود را از طعام و حال آنکه نفس من از روی آن طعام می کند:

و تجتنب الاسود و رود ماء إذا كان الكلاب یلغن فیہ

دوری می نمایند شیرها از داشتن بر آب زمانیکه سگها زبان در آن فروبرند

و نیز عادت وی چنانست که می گزد و می لیسد؛ اما نمی خورد و از بسکه آب دهانش بسیار اندک است به گند دهن موصوف شده و به شجاعت و جبن معروف است از جبن وی آن است که از آواز خروس و صدای طشت و از گریه می ترسد و از دیدن آتش متحیر می شود و وی سخت حمله است و با چیزی از وحشیات دیگر الفت نخواهد گرفت؛ ازین جهت که همتای خود را از آنها نمی بیند و هرگاه پوست وی بر چیزی از پوست‌های آن ها نهاده شود، مویشان

می‌ریزد. نزدیک زن حایض نمی‌شود، اگر تنگی و افتادن دندان‌هاست. ابن سبیب سبیتی، در کتاب در بعضی از سفرها گذارش برجماعتی افتاد که همگی برپا ایستاده بودند پرسید، حال اینها چیست؟ گفتند شیری بر سر راه ایشان را ترسانیده همان ساعت از مرکب به پایین آمد و به سوی شیر رفت گوش او را بگرفته از راهش دورانداخت، پس آنکه با شیر خطاب نمود که پیغمبر خدا در حق تو دروغ نگفته که ترا فرموده است که از آن جهت ترا بر بنی آدم مسلط گردانیده اند که از غیر خدا می‌ترسند ترا برایشان مسلط نمودند و نیز اگر بنی آدم امید به غیر خدا نداشتی خدای او را به غیر خود واگذار نمی‌نمود و در سنن ابی داود که لیس عنده سواء از ابی هریره مروی است که پیغمبر فرمود که عیسی بن عمران بر زمین نازل می‌شود، گویا سراو آب را می‌چکاند اگر چه نمی‌بدان نرسد صلیب را می‌شکند و خوک را می‌کشد مدعا آن است که حکم به بطلان دین نصاری می‌کند مال را ارزان می‌دارد و امنیت در زمین پیدا می‌شود. شیر با شتر و کلنگ با گاو و کرگ با گوسفند می‌چرند و بچه‌ها با مارها بازی می‌کنند و بعضی به بعضی ضرر نمی‌رسانند تا جهان دو؟ زمین باقی می‌ماند پس آنکه متوفی می‌شود و مسلمان‌ها نماز برو می‌گذارند و او را دفن می‌کنند. در کتاب حلیه در ترجمه نور بن یزید منقول است که شیر نمی‌خورد، مگر کسی را که مرتکب فعل حرام گردد.

Archive of SID

اسلامیه است و در حد خمس خمین مابین رحلت کرده و عمر وی از نود تجاوز
 نموده و در ایام رشید و ایام متوکل بوده و کتاب حیوان نوشته و کتاب است
 بسیا و جامع و ابو عبیده و اندلسیه در دستنه از جمله بوده و از آن خنصر کرده
 و خواب زیاده منفعه و روح ایچوان نام نهاده و دبیری از این هر کتاب و جامع
 این سطر و عایب المنفوقات فرزند و دیگر کتاب جمعی کرده و از حیوانه ایچوان
 نام کرده در حد و دستله این حقیر قبیل البصاء اقل عبد الله و بعضی از
 منصور بن حسن ابن ابراهیم عقب بنیاد ابن علاء الله بن ابی غفر الفاضله
 کتاب حیوانه ایچوان را به ترجمه کرده و بعضی از اشعار و مثال در دست
 فایده کلیه نبود طبع کرد و آنچه تعلق بازل حیوان بود آورد و آنچه دبیری آورد
 بعد از خواص و خصایص و عمر طبع و تفسیر بعضی حکایات مناسب از هر محل تقصیر تمام
 در مثل خود ذکر نموده و آنچه اعتماد تمام بر او نبوده ذکر کرده و این کتاب را بصفت
 ایچوان نام نهاد و الله الموفق لكل مامل برهن و تحلیه این کتاب بنام سطر
 از سطوت قهرش شیر داد، الاسطاریات ترک نظر منوه درک را خوفیات
 او صید غمام و کپاش فرموشن باز مکر برواثره این شاه عالم پایه از طبع
 پرواز نمیکند به غلش منفضی ان مرتبه تواند بر جانوران ضعیف و دیدار چون کار

اصول و کتب و شرح و تفسیر
 از عقوبت جانوران و دیدار جانورانی
 فاضل میکند در این و بود و یکجا بود از این
 از جنس حیوانی که در این کتاب
 و طوطا و خاص موم است که در این کتاب
 و کتک بره کند خود بود و در این کتاب
 زده کرده است از احوال آن من حیوان
 علی الجالی البرزندی صاحب کتب
 و تفسیر الصغری علی بن ابراهیم
 از آنجا از آن



تصویر برگ اول و دوم از چاپ سنگی کتاب خواص الحيوان



فرمود که هرگاه در وادی باشد که از شیر ترسد بگوید احوذ برب و اینال و با محبت من شیر الاسد از شیر و سایر
 سباع مخلوط مانده باشد شیر اسامی بسیار است از جمله ابو نصر فرای نام در رشته نظم کشیده و در یک بیت
 آورده چنانکه گفته عظمه و اسد و لیث و حارث و دلماش برز و قوره و جدر است و ضیغم شیر



تعمیر اگر در خواب بیند که بر شیر سوار است و میترسد بر دشمن غالب شود اگر ترسد در بلیه آمد اگر بیند که شیر او را
 کشت هرگاه آن شخص بنده باشد از او شود و الا از سلطان خائف گردد و اگر بیند که شیر او تعلق میکند امور
 عجب سبب از او ظاهر شود و بر اعدا غالب گردد اگر بیند که شیر منخور پادشاه شود اگر بیند که پاره از بدن شیر در کنار
 خود ننهد اگر زرش حمل دارد پس آورد و الا پسر پادشاه را در کنار گیرد و در دیدن شیر در خواب گناه و دلیل سلطان
 البس بود که از او ایمن نباشد و گناه و دلیل موت باشد و بجهت مریض اگر دلیل شفا بود و الله اعلم ارباب
 خرگوش بر که تو شقان مرد جمهور علمای شیعه و قبلی از عامه گوشت او حرام است اما خرگوش بحری با اتفاق حرام است
 و از جمله سموم است بدن او مانند بدن ماهی است سرش مثل سر خرگوش بر می از جمله خواص او آنکه چون قصیده بیند
 و پانسی او طول کند بر فراز بتمرد و در قضیب او مثل قضیب روبا که کبک پی و کبک پی استخوان او یکسال زود
 سل داده بود و بسیار باشد که اگر کثرت شهوتیکه او را است عمل نر او با ماده جمشود اگر زنی آنغچه تراورایا باشد پس زاید
 اگر آنغچه ماده اش را و حر زاید و اگر زنی خون ترا یا باشد هرگز بار نگیرد و مغز سر او اکثرش با فاعل آن تعاشر از طرف سازد
 و اگر خون در برابر تن سود طلا کنند مانع آید اگر کید آنک از مغز سر او را باد و وجه کافور مخلوط ساخته بخورد هر که او را
 و بر زین نظر بر وی افتد طلب مباشرت وی نماید گویند که او حیض منید و گوشت و علف هر دو خورد و در وقت خواب
 چشم او کشاده میماند بسیار باشد که صیاد به خیمه کمان برد که بدار است نزد او زود و زرم اهل جا بلیت نبود که جن

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

چنان چنان عاجل و بشان انسان کامل باظهار الای و نذ کارغای حی است توانا که آثار مثبت ما پنا و انوار قدرت خدای حضرت
لاله خیز از هر عینی از ایمان ثابت و از هر فرد و از افراد ممکن پیدا و ظاهر است فادری که ازین کردش خامه نقد بر نامه
دیراش هزاران پات دل بد پر و صناعات مستنیر در لوح مجو الله ما پنا و پنا و پنا کلی هویدا و با هر نظم

ذات او کاو است با خسر چون به پنی بدیده ظاهر

خالقی که از کال نور ظهور بحجاب صفات خود مستور

نظم زین جواح بصلح حاکمان نیست پیدا مگر تعین ذات

نظم هنر او در میان واسطه نیست ذات را جز صفات رابطه نیست

چکبست که باقتضای حکمت کامله و مقتضای مثبت قابل در هر عصری از اعضاء در در وجودی که مستعد انوار عظیمه است
سازد تا غولان با پیر غوایت و گراهان جاده صلاکت هم را برین سبیل و مسالک منزله بمان هدایت رساند و بچنان و افان
بر مهن خلاصه کاپان و کون سلاله موجودان محمد بن عبدالله علیه الصلوة والسلام واله الطیبان اکرام که نفوس احکام
احسن القوی بر صفات وجودی و اجالی که حضرت تو کشید اند و پنا ما بر السطوان فرقان مجید از اوردان دیوان اخلاق که

چریده است که بیت الفیضا مطلعش چون مهر در رخشان از انق کین فکان دیدن

مصطفی کش خدا پسندیدن فرشت از ربت بحرس بو سپله

رکن ایمان قوی بنشاند افروپش طراز کوه او

پس درو اتبنا و لی در پیش نفس از آنچه نطق گوید پیش

وصف خود پند چون کند خفا نفس عفا کجا کند فناش

از ازل تا ابد در ظلمت از احسان تا زمین ملک ملک

مصر شکل از همچون وزغ است یعنی اندام وی عظیم و هیبتش وزغ خاقق شک و اگر چشم او بر کسی گران شب بترسد بنده از آن
برسد مارا میگرداند از خط تشنه باشد و از سطا طال پس
در کتاب جوان گفته است که شربیان باه می‌تکند
و در اعطای می‌نزد در هر شهر لا مصر و ان
نفسش چنانست که ملک هند را هلد به می‌فرستد
و ان چنان بود که بسکن ز سرش را می‌زند و می‌آش
از عکس آنکه هم چنان بر می‌آورد تا بر زمین هند



هرگاه مغالی از آن نمک بر تخم مرغ با کوشش بگذراند و بخورد نفع بسیار در آن باب می‌رساند و در بخت علاج مذکور می‌آید انتم
که در برهیم نمک بگذرد هر از آن تخمها در آب بپزد علاج کرده و هر چه برماند استغفور میشود و در ریاب سین حکم آن و حکم شفق
هندی خواهد آمد انتم **نعم الاسود** سالخ نوع بسیار از قبیعت سبزه بان موسوم شد از حیث اینکه هر سال پوست می‌تکند

کوبند اسود سالخ و موشانرا می‌کوبند سالخ را شوش
سالخ کوبند ویدون تنبیه صفت چنانکه نوب
اصمی و ابو زید است و این دیدید بتنبیه حکایات
کرده است و اول معروف نر است و اسود سالخ و سواد
هم چنین از این سیده منقول است و ابو زید و سواد



خاکم از عبدالله بن عمر روایت کرده که حضرت م هرگاه بفرمهرت و شب می‌آمد میگفت با عرض رجب و ربك الله اعوذ من شرک و شر

ما بینک و شر ما خلق فیک و شر ما یبدن علیک اعوذ بالله و اسد و اسود و من الحیة و العقرب و من ساکن البلاد و والد و الد و ما و

و ساکن و الد الجن و گفته اند والد و ما و الد ابلیس و شیطا این است و در صحیحین مرویت که پیغمبر امر بقتل الاسود بن
فی الصلوة یعنی بر بکشتن دو اسود فرمود در نماز مراد بد و اسود مار و عقرب است و ابن هشام در کتاب سخنان شاد غوغو

نابال عینک لاشام کاغضا	گلت ما انهنما بسم الاسود
چنان حال چشم که نمی‌خوابد	مکون مثل است ان بر هر مار ساه
چفا علی سبطین حلا بشر یا	اولی لهم بعقاب یوم مفصل
از جنه منم بود وسطی کوه و قبله و فرزند ناده که ناله	سزاوار تر است ایشان از عقوبت روز شنبه و شاد

امام شافعی راست

و الشعر منه لعابه و مجاجه	و الشاعر المتطوق اسود سالخ
شعرو وی لعاب و مجاج هر دو اب دهن او	شاعر مضیع مار سبزه است
و لقله یهون علی الکریم علاج	و عدارة الشعراء را و معضل
دهان پستان است بر صاحب کوم علاج ان	دشمنی هر خوات است

پی‌نوشت‌ها

- ۱- مقاله حاضر نتیجه طرح پژوهشی نگارنده با همین عنوان در دانشگاه پیام نور است.
- ۲- درباب زندگی و آثار جاحظ ر.ک. زکاوتی قراگوزلو، علیرضا. زندگی و آثار جاحظ. انتشارات علمی و فرهنگی تهران، ۱۳۶۷.
- ۳- برای آشنایی با زندگی و خدمات زکریای رازی ر.ک. محقق، مهدی، فیلسوف ری، محمد بن زکریای رازی، مؤسسه مطالعات اسلامی مک گیل، تهران، ۱۳۵۲.
- ۴- نیز رساله کارشناسی ارشدی با عنوان تصحیح و تحشیه خواص الحيوان توسط فاطمه مهري در دانشگاه تهران به سال ۱۳۸۶ فراهم آمده است.

5- Topkapi sarayi, revan MS. No. 1664, F.E.Karatay, Topkapi Sarayimuzesi Kutufanesi TukceYazmalar Katalogu, Vol.I, Istanbul, 1961, P.567

6- A. Adivar, osmanli turklerinde iulim, Istanbul, 1943, pp. 15, 76, 91

7- Hierozoicon sive bipartitum opus de animalibus sacrae scripturae, London, Thomas Rycroft. 1663.

8- Samuel bochart

9- Silstre de sacy

10-Histoire des animaux

11-Petit de la croix

12- Herbelot

13-Bibliotheque orientale, oudictionnaire universel, tom IV , 1779; h. a. scultens additions (1782), p. 731

14- Ad-Damiri Hayat-al-Hayawan. Translation by A. S. G. Jayaker. 2 vols. London, 1906

۱۵- حیات الحيوان الكبير، ج ۱، ص: ۱۱

منابع

- ۱- آقابزرگ طهرانی، محمد محسن. (۱۳۴۸ - ۱۲۵۵). الذریعه الی تصانيف الشيعه. نجف: مکتبه صاحب الذریعه العامه.
- ۲- ایچی شبانکاری، غیاث بن علاء دینی. صفات الحيوان. نسخه خطی.
- ۳- العزی، عزیزالعلی. (۱۳۶۴). «الدمیری و کتابه حیات الحيوان»، نشریه المورد، شماره ۵۶، ص ۱۳۹-۱۵۲.
- ۴- بامداد، مهدی. (۱۳۷۴). شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هـ. تهران: کتابفروشی زوار.
- ۵- تبریزی محمد تقی بن خواجه محمد، خواص الحيوان، چاپ سنگی.
- ۶- تاجبخش، حسن. (۱۳۷۹). تاریخ دامپزشکی و پزشکی. تهران: دانشگاه تهران.
- ۷- جاحظ، ابوعثمان عمرو بن بحر. (۱۴۲۴). الحيوان. به کوشش محمد باسل عیون السود. بیروت: دارالکتب العلمیه. چاپ دوم.
- ۸- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله القسطنطنی الرومی الحنفی. (۱۲۷۴). کشف الظنون، بیروت: دارالطباعه.
- ۹- درایتی، مصطفی. (۱۳۸۹). فهرستواره دست‌نوشت‌های ایران (دنا). کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

- ۱۰- دانش پژوه، منوچهر. (۱۳۴۰). افشار، ایرج نسخه‌های خطی؛ نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۱- دمیری کمال الدین. (۱۴۲۴). **حیات الحيوان الكبرى**، به کوشش احمد بن حسن بچ. بیروت: دارالکتب العلمیه. چاپ دوم، ۲ ج.
- ۱۲- **دایرة المعارف تشیع**. (۱۳۹۰). تهران: حکمت، ۱۴ ج.
- ۱۳- ربن طبری. (۱۹۲۸). فردوس الحکمه فی الطب، لابی الحسن علی بن سهل ربن الطبری، تصحیحه محد زبیر الصدیقی، اوقاف ئی جی غب، مطبع آفتاب، برلن.
- ۱۴- ذکاوتی فراگوزلو، علیرضا. (۱۳۶۷). **زندگی و آثار جاحظ**. انتشارات علمی و فرهنگی تهران.
- ۱۵- صفا، ذبیح الله. (۱۳۶۶). **تاریخ ادبیات در ایران**، تهران: فردوس، ۸ ج.
- ۱۶- طوسی، محمدبن محمود. (۱۳۸۲). **عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات**. به‌اهتمام منوچهر ستوده، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۷- علامی، ملا محمد سعید بن ملا سلیم؛ فاجی، عبدالحمید. ترجمه حیات الحيوان. با مقدمه علی بن محمد هارون هروی. نسخه خطی، کتابخانه شخصی نگارنده.
- ۱۸- کحاله، عمررضا. (بی‌تا). **معجم المؤلفین: تراجم مصنفی الکتب العربیه**. مکتبه المثنی - بغداد، دار احیاء التراث العربی - بیروت.
- ۱۹- منزوی، احمد. (۱۳۸۲). **فهرستواره کتابهای فارسی**. تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- ۲۰- نفیسی، سعید. (۱۳۴۴). **تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی**، تهران: کتابفروشی فروغی.
- ۲۱- نوایی، میرنظام‌الدین علیشیر. (۱۳۶۳). **تذکره مجالس النفاثس**. به سعی و اهتمام علی‌اصغر حکمت. تهران: منوچهری.

منابع لاتین

22- Glassé, Cyril. *Encyclopedia of Islam, Walnut Greek*: Altamir Press, 2002= 1381

سایت‌ها

- ۲۳- مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی: www.cgie.org.ir
- ۲۴- دانشنامه ایرانیکا: www.iranicaonline.org
- ۲۵- نسخ خطی مرکز اسناد و کتابخانه مرکزی جمهوری اسلامی ایران: www.dl.nlai.ir
- ۲۶- سایت بیاض: www.bayaz.ir